

ROBERT KIRKMAN

TONY MOORE

DAVE McCAIG

THE WALKING DEAD

DELUXE

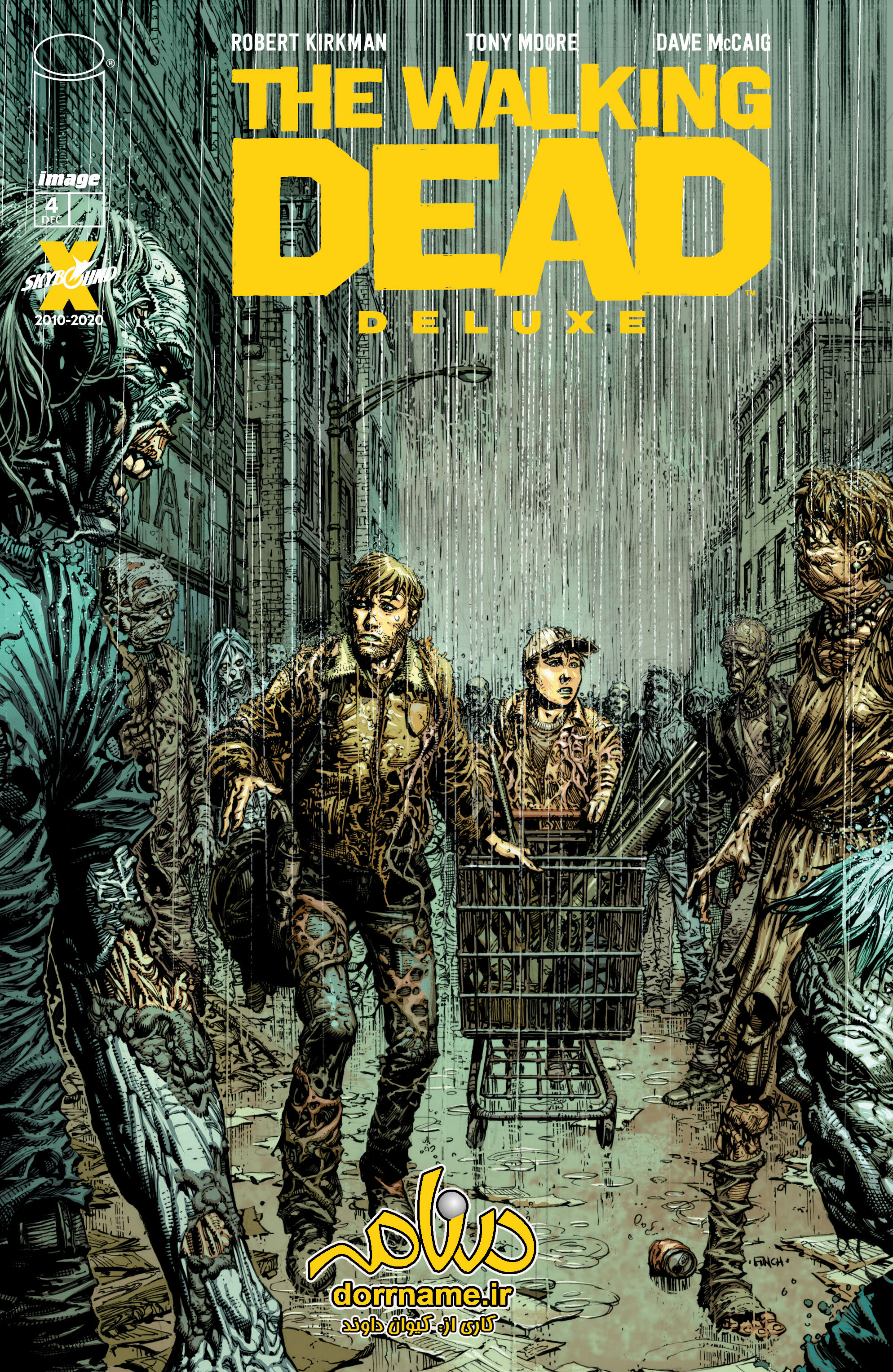
image

4

DEC

SKYBOUND

2010-2020



دورنامه

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند



==Cummy==



یا مسیح! اینجوری
یواشکی به من
نزدیک نشو!

متأسفم...
می خواستم
بدون بیدار کردن
کسی پیام
اینجا.



خوب، دفعه
بعد، یه سنگی چیزی
بنداز طرف من... زهره
ترکم کردی.

مخصوصاً بعد
از اتفاقی که
امروز افتاد.



آره... راستش
اومدم راجع به
همین موضوع
صحبت کنم.

او؟



باید به سمت کمپ
حرکت کنیم. لازم
نیست به شهری که پر
از اون چیزهاست اینقدر
نزدیک باشیم.

زیادی
خطرناکه



دیوونه
شدی؟!

اگه
دولت شروع به
تمیز کردن این کند
بکنه، چیکار باید بکنیم؟ اول
با شهرها شروع می کنند...
اگه اینجا بمونیم زودتر
پیدامون می کنند



اونها کی میان
شین؟ فردا؟ هفته
بعد؟ اینجا هوا خیلی
داره سرد می شه و داره
بدتر می شه.

اونم
از اتفاقی که
دیروز افتاد. اینقدر
نزدیک به اونها زندگی
کردن خیلی
خطرناکه.

اگه به یه جای امن تر بریم، نیازی نیست کسی ما رو نجات بده. ترجیح می دم هر از گاهی شب ها خواب راحتی داشته باشم تا بشینم و منتظر بمونم کی دولت ما رو پیدا می کنه. تازه اگه از بین نرفته باشه.



از کجا مطمئنی که قراره نجات پیدا کنیم؟ دیروز چیزی نمونده بود دانا کشته بشه. اگه یکی از بچه های تو بودند چی؟ اگه کارل بود چی؟

هیچکس برای این آمادگی نداشت شین. فکر می کنی اون دخترا می تونن بجنگند؟



رفتن به هر جای دیگه خیلی پرخطر. آتش ما رو گرم نگه می دار این منطقه چوب زیادی پیدا می شه. همین جا خوبه.

برای نجات پیدا کردن بهترین جاست.



اینجا همه باید همیشه سلاح همراهشون باشه.

باشه... اگه احساس می کنی این بهترین کار برای ماست... حرفی نیست. می مونیم. ولی اگه قرار باشه همینجا بمونیم، به اسلحه بیشتری نیاز داریم. اگه دانا یه اسلحه به همراه داشت، فقط برمی گشت و بهش شلیک می کرد.



یه فکری در موردش می کنم.

از کجا قراره این همه تفنگ پیدا کنیم؟

ما باید اینجا بمونیم.

ریک... ما می تونیم از این مردم محافظت کنیم. ما همینجا نجات پیدا می کنیم. اگه به بخش های حومه ای بریم ماه ها طول می کشه بتونن پیدامون کنند



نه لعنتی! ما همینجا می مونیم! ما اینجا جامون امنه! دیروز یه اتفاق خیلی نادر بود. اینجا امن ترین جاست.



می شه صداتونو بیارید پایین؟!

بعضی از ما می خواهیم بخوابیم.







باید یه
جایی همین
ورا باشه.

نباید نگران باشی
پسر. من کاملاً مراقبم.
باید این کارو انجام بدم
تا همه امنیت بیشتری
داشته باشیم. وقتی برگردم
... بهت یاد می‌دم چطور
با یه تفنگ شلیک کنی.
می‌خواهی یاد بگیری
چطور با تفنگ
شلیک کنی.

فکر
کنم.

امکان
نداره! اون
برای شلیک
با اسلحه خیلی
جوونه!

وقتی
برگشتم در
موردش حرف
می‌زنیم. نگران نباش.
قبل از اینکه غیبتم رو
حس کنید برگشتم. کلن
ازم مراقبت می‌کنه. چند
بار رفته شهر و سالم
برگشته؟

می‌دونم
به اسلحه نیاز
داریم، ولی چرا تو
باید بری؟ این سومین
روزیه که رسیدی...
نمی‌خوام دوباره
نگرانت باشم!

پدر، لطفاً
نرو.

نمی‌فهمم چرا اون
نمی‌تونه تنها بره!
چرا باید باهاش
بری؟

فکر می‌کنی کلن چند تا
اسلحه می‌تونه حمل کنه؟
منطقی باش عزیزم.

پیداش
کردم.

مراقب باش.

نگران
نباش
عزیزم... مشکلی
پیش نمیاد.
دوست دارم.

منم
دوست
دارم.



چشمه؟ حالش
خوبه...؟

خوب...
یادته بهت
گفتم یه نفر
تو کمپ هست
که زنده از آتلانتا
اومده بیرون؟

آره...

جیم
همون
مرده.

اون موقع تو به من
گفته بودی که فکر می کردی
لوری و کارل اونجا بودند... و
و من داشتم سعی می کردم
بهت امید بدم.

موضوع اینه
که... جیم از شهر
بیرون اومد. ولی
خانواده اش جلوی
چشمش قصابی
شدند.

اوه.

این داستان رو به بار تعریف کرد.
طوری بوده که انگار اونجا مثل سپر
اونو از لشکر زامبی هایی جدا کرده
بودند که محاصره اش کرده بودند.
زنش، دخترش، دامادش... و بین
اونها پنج تا بچه بودند. درست
یادم نمیاد، ولی انگار
مادرش هم اونجا
بوده.

اون فقط
به این دلیل
توئست از اونجا
چون سالم به در بره
چون اون هیولاها داشتند
بقیه رو می خوردند. می که
انقدر ماجرا سریع اتفاق
افتاده که تا زمانی که سالم
فرار کرده نمی دونسته
چه اتفاقی افتاده.



لعنتی!

چی شد؟

مغازه ای که جیم می گفت
پنج تا کوچه با جایی که تو
رو پیدا کردم، فاصله داره.
تا حالا اونقدر جلو نرفتم.
امکان نداره زنده
برگردیم.

دنبالم
بیا. یه فکری
دارم.





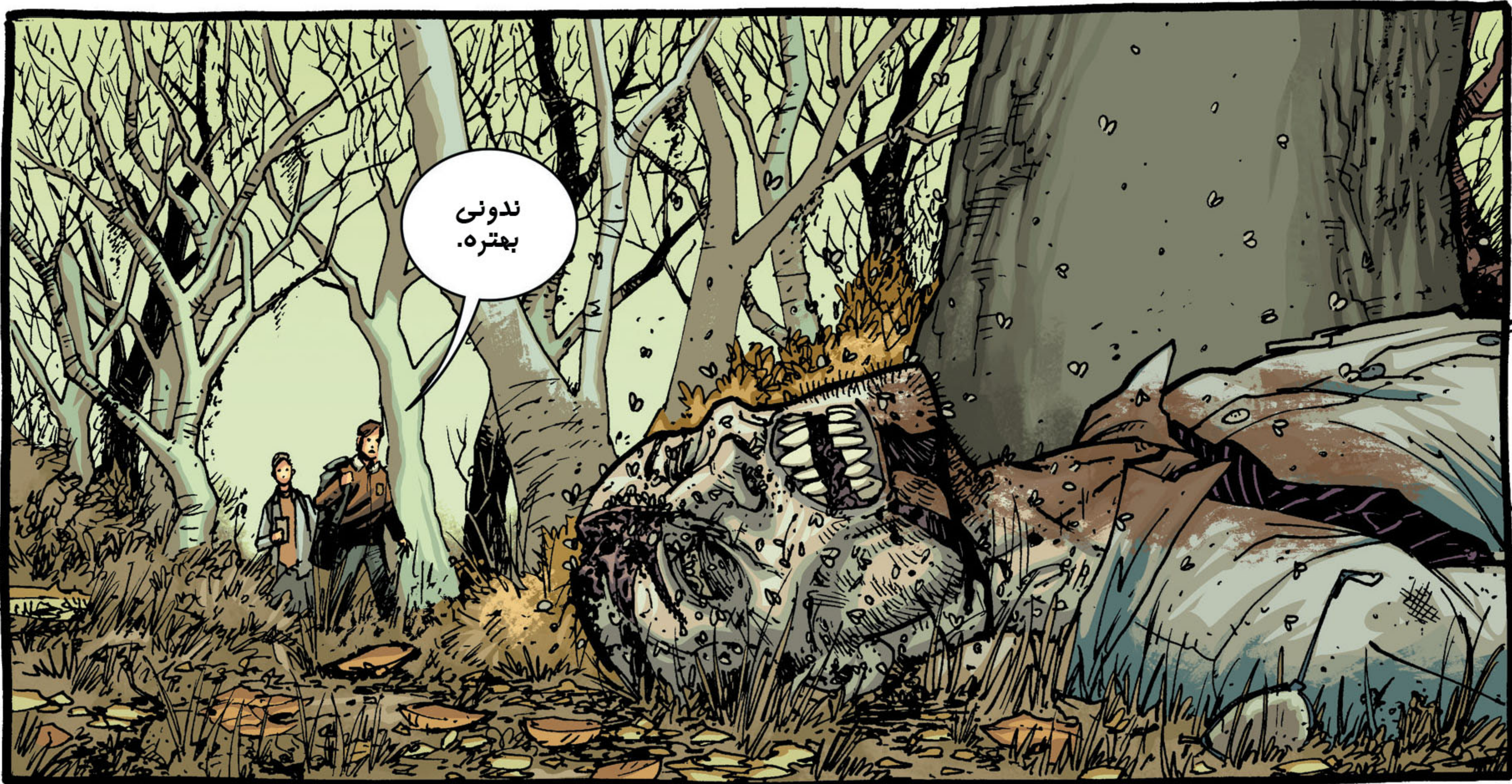
از این
طرف...



شهر از
این طرفه.
کجا داریم
می ریم؟



بهم اعتماد
کن...



ندونی.
بهتره.



کمک کن
اینو از درخت
دور کنیم.

آمم...

چیکار
داریم
می کنیم؟



این چیزا زیاد باهوش
به نظر نمی رسند. ولی،
تا حالا ندیدم یکی از خودشونو
با یکی از ما اشتباه بگیرند... و
چند تا از اونها رو دیدم که
از دور فکر می کردم
زنده اند.

پس فکر
کردم این چیه
که بهشون کمک
می کنه ما رو تشخیص
بدن... و نزدیک بودن
به این رفیقمون
کمک می کنه.

موضوع بوی
متفاوته.

ببین، من بعضی از اونها رو دیدم
که نصف صورتشون از بین رفته.
و دارند حرکت می کنند. ولی نشون
نمی دن که حداکثر کار آیی رو
دارند.

پس
نمی تونم بگم
مثل شک های شکاری
فقط از طریق بو
می تونند تشخیصمون
بدن.



شاید به این دلیل باشه که مثل اونا
بوی گند نمی دیم، ولی باید اینطور
فکر کنم ربطی به بوی ما
داره.

ما هر
دو دست و پا
داریم... بسادگی
می تونن ما رو اشتباه
بگیرند... ولی اونها
هیچوقت به هم حمله
نمی کنند.



بگیر. بمالش
به لباسها و بعد
بذارش توی جیب.
فکر کنم چند تیکه برای
هر کدوم از ما کافی
باشه.



HWAAGG!



می بخشی...
توقع همچین
چیزی رو اول صبح
نداشتم. من به بوی
شهر عادت دارم، ولی
نزدیک کردنش تا این
حد به خودم یه
داستان دیگه
است.



خوب اگه
می دونستم که می خوام
امروز این کارو بکنم... از
رختخواب بیرون
نمی اومدم.

ولی
باید یه
تلاشی
بکنیم.



به هیچ وجه نذار چیزی به صورتت
نزدیک بشه. این چیزا خیلی عوضی اند.
نمی خوام فکر کنم اگه چیزی تو
دهنت بره چه اتفاقی می افته. گازی
که می گیرند، کشنده است. اونا
با پوستی که صدمه دیده ارتباط
برقرار می کنند.



فکر نکنم این
آشغال رو به این
زودی ها به صورتتم
بمالم.





فکر کنم
کار کنه.

به هر
دومون
می گم.

نمی خوام
فکر کنم این
کارها رو بیهوده کردیم
و احساس حماقت
کنم.

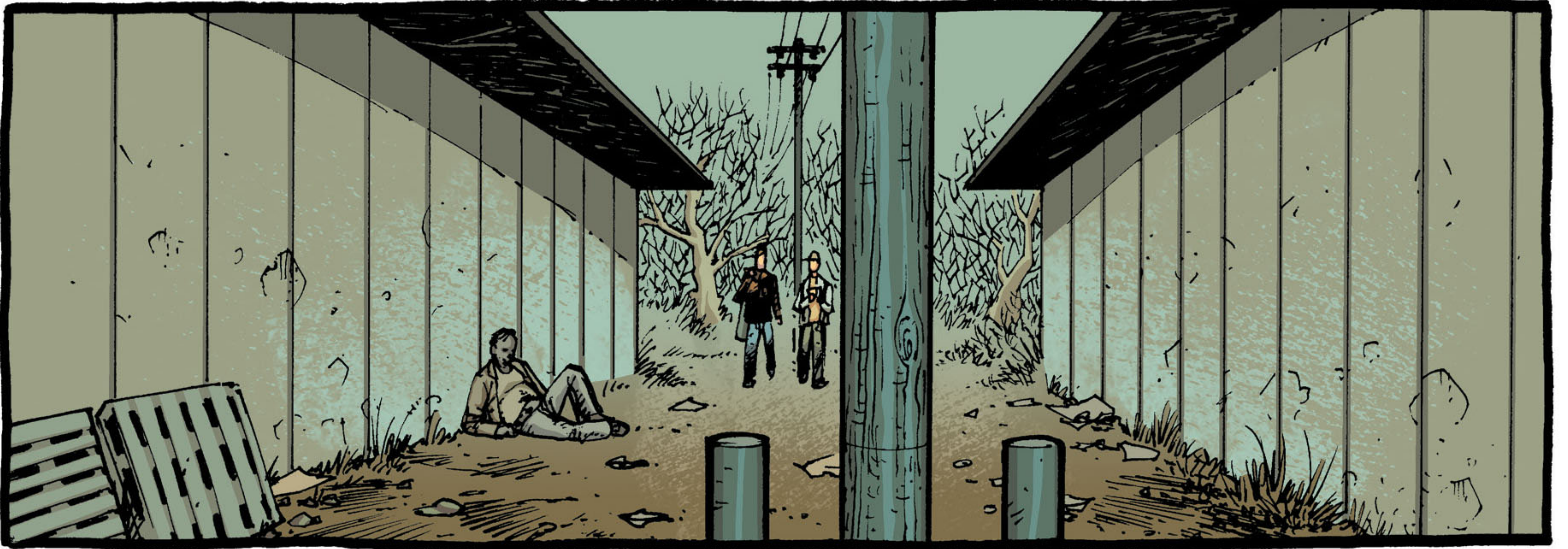


می بخشی.

می دونی،
اگه تئوری بوی
تو درست باشه،
نسبت به تو احساس
امنیت بیشتری
دارم.



دوست
دارم دماغم
رو بخارونم.







یا مسیح.

بدتر از
چیزیه که
فکر می کردیم.

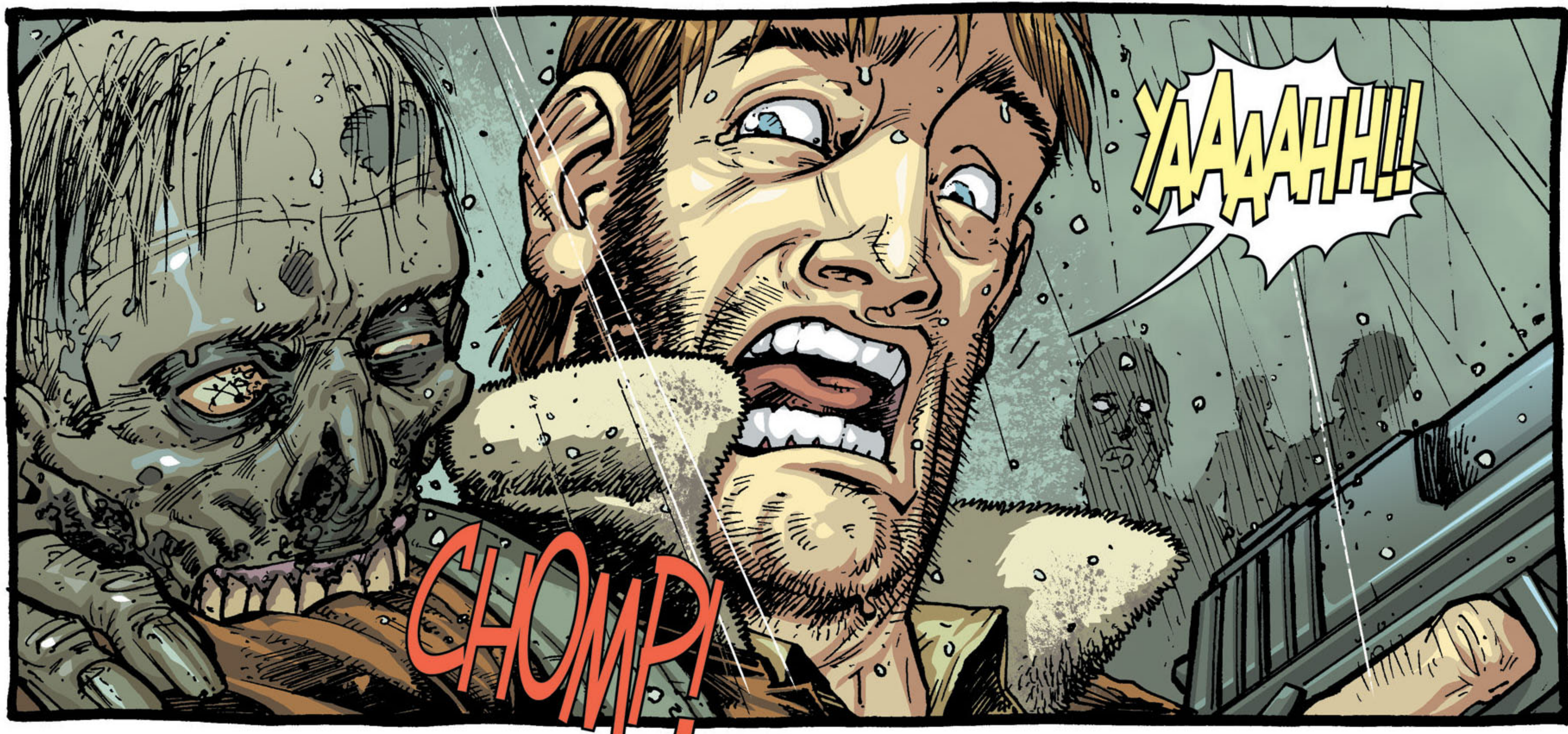


















نباید نگران چیزی
باشی لوری. ریک می تونه
از خودش محافظت کنه.
دیدی که تا حالا از عهده
چه چیزهایی برا.ومده.

اون و گلن
خیلی زود
برمی گردند.



ایکاش اصلاً
نرفته بود.

لعنتی...
چرا دوباره منو
تو این شرایط قرار
دادی!



برگرد به کمپ.
هوا سره. زیر
بارون نمون.



زود باش...این بیرون
موندن باعث نمی شه
اون زودتر برگرده.

منم
پیش
می مونم.



نه...
شین.



باید جلوی خودتو
بگیری. ریک الان...
اون زنده است...و اون
شوهر منه.

باید
تمومش
کنی.



ولی قبلاً
چی... سر راه
اینجا... اون...



اون
شب...



...



...
یه
اشتباه
بود.

COVER BY
MIKE ZECK



COVER BY
JAMES O'BARR



COVER BY
STUART SAYGER



STUART
SAYGER

ROBERT KIRKMAN

TONY MOORE

DAVE McCAIG

THE WALKING DEAD

DELUXE



دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی